



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



جلوه های مدیریت

در حرکت

امام حسین علیه السلام

بهرام حمیدزاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوه‌های مدیریت در حرکت امام حسین (علیه السلام)

نویسنده:

بهرام حمیدزاده

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جلوه‌های مدیریت در حرکت امام حسین (علیه السلام)
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۶	مقدمه
۷	بیان مسأله
۸	شایستگی و توانایی مدیریت امام حسین
۹	اهمیت و نقش یاران امام حسین در نهضت عاشورا
۹	اشاره
۱۰	جلوه‌های مدیریتی حرکت امام حسین از مدینه تا کربلا
۱۰	تعریف مدیریت
۱۰	اشاره
۱۰	تصمیم‌گیری
۱۳	برنامه‌ریزی
۱۴	سازماندهی
۱۵	هماهنگی
۱۵	رهبری
۱۷	کنترل و نظارت
۱۷	خلاصه و نتایج
۱۷	اشاره
۱۸	پاورقی
۱۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جلوه‌های مدیریت در حرکت امام حسین(علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان: جلوه‌های مدیریت در حرکت امام حسین (علیه السلام)

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

بهرام حمیدزاده پدیدآور

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: نظریه‌های مدیریت

سیره ائمه اطهار (ع)

قیام عاشورا

برنامه‌ریزی

پیشگفتار

نهضت حسینی نمایشگاهی است از عظمت و علو استعدادهای انسانی؛ نمایشگاه تصمیم‌گیری، تدبیر و مدیریت در شرایط بحرانی. نویسنده در این مقاله کارکردهای آشکار عاشورا در حوزه جذب و هدایت نیروها و اصحاب از مدینه تا کربلا را مورد بحث قرار داده است. وی تأکید دارد که امام حسین (ع) در تمام ابعاد مهارت‌های مدیریتی اعم از مهارت فنی (نظامی)، سیاسی، اجتماعی و انسانی شایستگی کامل و در حد عالی را دارا بوده است. مقاله همچنان که تصمیم‌گیری امام (ع) را برخاسته از آگاهی می‌داند بر این امر تأکید می‌کند که آن حضرت با پیش‌بینی دقیق و برنامه خاص خود، نه شتابزده عمل می‌کرد و نه منفعلانه، بلکه با تصمیمات به موقع و سنجیده، نهضت را به سوی هدف به پیش می‌برد. اصل برنامه‌ریزی را در تمام بخش‌های حرکت حسینی، حتی در نحوه آرایش سپاه کم‌تعداد حضرت در مقابل سپاه انبوه دشمن می‌شود مشاهده کرد. نویسنده ضمن تبیین اصل سازماندهی در نهضت حسینی در قالب برنامه‌ریزی کوتاه مدت و بلند مدت، به تشریح «رهبری» امام حسین (ع) پرداخت، رهبری‌ای که عنصر آگاهی، انگیزش، تعهد به قانون و دستورات الهی، قاطعیت و تفویض اختیار در آن وجود داشت. وی به این نکته نیز می‌پردازد که مسئله کنترل و نظارت در تمام مراحل قیام از جانب امام حسین (ع) به بهترین وجه صورت می‌گرفت.

مقدمه

اکنون قرن‌هاست که بشر با بهره‌گیری از توانمندی‌های شناختی خود به مفهوم «مدیریت» اندیشیده و با تأمل در آن زندگی خود را بهبود بخشیده است و با کاربردهای دانش مدیریت در زندگی به فراست دریافته است که در عرصه زندگی اجتماعی ملزم به

پذیرش یک نظام رهبری و مدیریت است. نکته حائز اهمیت این است که این کوششها نشانه تحقق کامل آن به حساب نمی‌آید و چه بسا دانسته‌های موجود در این باره بسیار بیشتر از نادانسته‌های محتمل است. در این میان ادیان بزرگ الهی نیز چه در قالب تعالیم دینی که عمدتاً مبتنی بر وحی استوار بوده است، و چه در سیره عملی پیامبران به این امر توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. پیامبران موفق شده‌اند که عالی‌ترین نمودهای رهبری را در طول تاریخ تمدن بشری به نمایش بگذارند. در دین مبین اسلام، بارزترین نشانه‌های شیوه رهبری و مدیریت در کلام و سیره رسول گرامی اسلام (ص) و سلاله پاک او حسین (ع) به ویژه نهضت عاشورا تجسم یافته است. زیرا اصولاً در منطق شیعه، امامت و ولایت رکن اساسی مدیریت دینی محسوب می‌شود و از جایگاه و رفعت بالایی برخوردار است. نهضت حسینی نمایشگاهی است از عظمت و علو استعدادهای انسانی، نمایشگاه تصمیم‌گیری، تدبیر و مدیریت در شرایط بحران. تمام حوزه‌های نهضت امام حسین (ع) تذکرات مدیریتی دارد، از این رو فرهنگ مدیریتی عاشورا در دنیای امروز یک مسأله قابل بررسی، زنده و مؤثر است، محتوای حرکت عاشورای حسینی، تبلور عینی یک الگوی راهبردی است برای احیای دین، مدیریت و سازندگی اجتماعی که هر گاه این محتوا به درستی تبیین شود می‌تواند به صورت الگوی مطلوب و مؤثر مورد استفاده قرار گیرد. لکن تاکنون این الگوی با ارزش، تنها موضوع مباحث تاریخی و کلامی قرار گرفته و از جنبه رهبری و مدیریت اصولاً مطلقاً نظر نبوده است، از این رو، این مقاله صرف نظر از کاوهای تاریخی و اعتقادی مربوط به واقعه، به تبیین کارکردهای مدیریتی و رهبری می‌پردازد. از آنجا که هر پدیده‌ای می‌تواند دارای دو نوع کارکردهای آشکار و پنهان باشد، در این مقاله صرفاً کارکردهای آشکار عاشورا در حوزه مدیریت و رهبری مورد بررسی قرار خواهد گرفت، هر چند کارکردهای پنهان آن مهم‌تر از جنبه‌های آشکار است لکن نیاز به فهم بسیار عمیق دارد که از عهده نگارنده خارج است، همچنین عده‌ای از اندیشمندان اسلامی مانند شهید آیت الله مرتضی مطهری معتقدند علم بشر، از تبیین تمام اهداف و فلسفه حماسه حسینی قاصر است. در عین حال چنانچه از دریچه مدیریتی به نهضت حسینی توجه شود می‌توان مجموعه آموزه‌های مدیریت و رهبری این نهضت را در سه حوزه یا سطح اساسی دریافت و تبیین نمود: ۱. مدیریت امام حسین (ع) در حوزه جذب و هدایت نیروها و اصحاب از مدینه تا کربلا، ۲. مدیریت امام حسین (ع) در حوزه هدایت و بیداری جامعه اسلامی؛ ۳. مدیریت امام حسین (ع) در حوزه هدایت جامعه جهانی. همچنان که از عنوان بحث روشن است تحقیق پیشنهادی حاضر به قدر مجال پیرامون تبیین مدیریت امام حسین (ع) در حوزه اول خواهد بود.

بیان مسأله

معاویه در سال ۴۱ هجری قمری با امام حسن (ع) پیمان صلح منعقد کرد و در سال ۵۶ بر خلاف مفاد قرارداد، فرزند خود یزید را به ولایت‌عهدی خویش برگزید و از مردم با زور و فشار برای وی بیعت گرفت و در نیمه رجب سال ۶۰ از دنیا رفت و یزید به جای وی بر حکومت و خلافت جامعه مسلمین نشست و به تمام استانداران و فرمانداران خود نوشت که از مسلمین بلاد و شهرها به هر طریق ممکن برای وی بیعت بگیرند. همچنین، نامه‌ای به پسر عموی خود ولید بن عتبه استاندار مدینه نوشت که از مردم مدینه و به ویژه از سه شخصیت سرشناس، حسین بن علی (ع)، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر برای وی بیعت بگیرد، لکن در مورد شخص حسین بن علی (ع) سفارش بسیار نموده بود، که برای ایشان کمترین مهلتی را روا مدار، اگر پذیرفت که به مقصود رسیده‌ایم و گرنه سر او را از بدنش جدا کرده و برای من بفرست. [۱]. شرایط جامعه اسلامی ناشی از حکومت معاویه و یزید به گونه‌ای تغییر یافته بود، که قوانین مدنی و جزائی اسلام نقض و اختناق و سانسور شدید بر جامعه حکمفرما بود. امام حسین (ع) خود این وضع را چنین تشریح می‌کند: «الا- ترون أن الحق لا يعمل به و ان الباطل لا يتناهى عنه؛ [۲]. آیا نمی‌بینید که در مصاف حق و باطل به حق عمل نمی‌شود و باطل مورد نکوهش قرار نمی‌گیرد؟ نمی‌بینید که جامعه اسلامی از محور حق و عدل خارج شده و بر مدار ظلم و باطل می‌گردد؟ و مگر نمی‌بینید که حق در لباس باطل و باطل در لباس حق مشغول به خودنمایی و جلوه‌گری است؟ به عبارت

روشن‌تر بنیان الگوی توسعه و تمدن نبوی که قرار بود به دست ۱۲ معمار علوی به کمال لایق خود برسد با الگوی مدیریت اموی از مسیر توسعه الهی، خارج و به سمت توسعه مادی گرائیده بود و همچنین در آستانه حکومت یزید، انحراف از اصول اسلام و بازگشت به ارزشهای جاهلی در چنان حدی بود که از اسلام جز نام و از قرآن جز نوشته‌ای باقی نمانده بود و از آن گذشته که حاکم جدید یعنی یزید، متجاهر به فسق بود. لذا این کجی‌ها با روشهای مسالمت‌آمیز و معمول قابل اصلاح نبود. از این رو حسین بن علی (ع) دید که قیام بر ضد یزید تکلیف واجبی است و به ویژه این امر بر کسانی که قادر بر انجام دادن آن می‌باشند لازم است. زیرا انسان به عنوان جانشین (خلیفه) خدا در روی زمین در نظر گرفته شده [۳] و همچنین بار سنگین امانت بر دوش او نهاده شده است؛ امانتی که قبول مسئولیت حاکمیت بر اساس قصد و اراده و رضایت خداوند است. [۴] و همچنین تعهد به عدالت و انصاف اقتضای این امانت است. [۵] از سوی دیگر رسول خدا (ص) در موارد متعدد از حماسه کربلا و حتی محل شهادت او و یارانش خبر داده بود، به طوری که امام حسین (ع) به محض رسیدن به سرزمین کربلا - می‌فرماید: «این جا جایگاه فرود آمدن ماست و من این وعده را از جدّم رسول الله شنیدم و در وعده او تردید و خلافی نیست». [۶]. گو اینکه مکان و حتی روش مبارزه از ازل تعیین شده بود، از این رو امام حسین (ع) پس از آنکه از مجلس ولید بیرون آمد تصمیم گرفت که مبارزه خود را با یزید ادامه دهد ولی نه در مدینه بلکه به صورت یک حرکت نظامی و فرهنگی از مدینه تا کربلا. با این توصیف، برای جذب و هدایت نیرو جهت عملیات در مقصد مشخص یعنی کربلا، به همراه ۸۲ نفر زنان، کودکان کم سن و سال، افراد سالمند و خانواده‌اش می‌بایست حدود دهها فرسنگ را طی طریق کند و عبور از کمین ترور مأمورین دشمن، همه و همه نیازمند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، نظارت، هدایت و رهبری دقیق بود. بر این اساس کاروان حسینی پس از وداع با شهر پیامبر (ص) شب یکشنبه دو روز مانده به پایان ماه رجب (۲۸ رجب) سال ۶۰ هجری مثل رشته‌ای از نور در شب ظلمانی از مدینه به سوی محل مبارزه حرکت نمود. ظاهراً حرکت امام از مدینه به سوی مکه با سرعت انجام گرفته و در تاریخ از حوادث بین راه در این سفر مطلب زیادی ثبت نشده است. حرکت اصلی امام از مکه تا کربلا - بوده و به طور مفصل مورد نظر مورخان واقع شده است. حضرت از مکه تا کربلا توقف‌هایی داشتند که نام محل‌های توقف را منازل می‌گویند و جمعاً حدود بیست و چند منزل بوده است؛ در سفرهای قدیم، هر مرحله و بخشی را که یک فرد یا کاروان در یک روز به صورت پیاده می‌پیمود؛ «منزل» می‌گفتند. این فاصله، گاهی سه و گاهی پنج فرسخ بود، تقریباً فاصله بین دو منزل را چهار فرسخ گفته‌اند. [۷] حوادثی که کاروان حسینی در این منازل با آن روبه رو شده است و همچنین در مقابل، تدابیری که امام برای عبور از آنها اندیشیده است در دو نقشه آمده است. قبل از اینکه به کارکردهای مدیریت در نهضت امام حسین (ع) پردازیم شایسته است معرفی اجمالی از مدیر و رهبری نهضت و اعضای کاروان ارائه شود.

شایستگی و توانایی مدیریت امام حسین

آینده سازمانها و بقاء موفقیت آنها بستگی زیادی به توانایی مدیران آنها دارد زیرا آنان به طور دائم به اخذ تصمیمات اساسی و حیاتی می‌پردازند، از این رو اگر مدیران یک سازمان از شایستگی‌های لازم برخوردار نباشند، نه تنها رشد سازمان متوقف می‌گردد، بلکه در مقابل فشارهای داخل و خارج ضربه می‌خورد و متلاشی می‌شود. بر این اساس چنانچه سابقه شایستگی‌های امام حسین (ع) را مورد بررسی قرار دهیم اذعان خواهیم نمود که حضرت در تمام ابعاد مهارت‌های مدیریتی، اعم از مهارت فنی (فنون نظامی) مهارت سیاسی و اجتماعی و مهارت انسانی، شایستگی کامل در حد عالی را دارا بوده است. حضرت در طول عمر به سان آفتاب، نور می‌افشاند و از پرتوهای درخشان خویش مردم را بهره‌مند می‌ساخت، گروهی از دانشش سود می‌بردند، جمعی از رفتارش درس می‌آموختند، عده‌ای از اخلاق الهیش راه تهذیب نفس را فرا می‌گرفتند و برخی از بیان رسای او درس ادب می‌آموختند. با دستی باز به بخشش دارائیش می‌پرداخت، در برابر مستمندان فروتنی می‌نمود و رسیدگی به یتیمان و بیوه زنان را

فراموش نمی‌کرد و همواره به یاری مظلومان می‌شتافت، هرگز از عبادت خدا دور نگردید و بیست و پنج بار با پای پیاده از مدینه برای حج و زیارت خانه خدا، به مکه سفر کرد. این انسان نمونه در طول زندگی خود همراه پدرش در جنگهای جمل، صفین و نهروان شرکت جسته بود. امام حسین (ع) عهدشکنی انصار و خیانت مدعیان دوستی پدرش را در جریانات دوران پنج ساله حکومت پدر شاهد بود و نحوه برپایی غائله جمل در بصره را که به راهبری عایشه صورت گرفته بود زیر نظر داشت زیرا امام حسین خود در جنگ جمل حضور داشته و خود از جمله فرماندهان این نبرد خونین بود. در صفین نیز فرماندهی جناحهایی از سپاه را عهده‌دار بود. در زمان خلافت برادرش امام حسن (ع) نیرنگ معاویه و خیانت برخی از فرماندهان برادرش را نیز درک کرده بود. لذا او با تمام این تجربیات و بصیرتها، مدیریت و رهبری نهضت عاشورا را به عهده گرفته بود. [۸].

اهمیت و نقش یاران امام حسین در نهضت عاشورا

اشاره

سازمان به عنوان یک نهاد اجتماعی و به دلیل «اهداف بنیانی» فراتر از ارتباطات روز مژه، نوعی ارتباطات سازمانی بین افراد برقرار می‌سازد و بدیهی است که در این راستا، ارتباطات و چگونگی جهت‌گیری آنها به سمت «اهداف سازمانی» از مسائل ضروری و مورد توجه مدیران است، و این توجه ناشی از آن است که مدیران در دستیابی به اهداف طراحی شده به روابط انسانی مؤثر در سازمان نیازمندند از این رو آنان که در رکاب امام حسین (ع) جانبازی کردند و مردانه شهید شدند، برگزیده‌ترین یاران و مردان الهی بودند، کسانی که همسر و فرزند خویش را رها کردند و به ولی و امام زمانشان پیوستند و در راه اهداف مقدس قهرمانانه جنگیدند و برای رفتن به میدان از یکدیگر سبقت گرفتند. سخن این انسانهای فداکار با مولا و رهبر خود این بود که ما خویشتن را فدای تو می‌کنیم و تو را از دست دشمن مصون خواهیم داشت. در شب عاشورا، تبسم بر لب داشتند و کمترین هراسی از مرگ به دل راه ندادند و از اینکه به زودی به درجه رفیع شهادت نائل آمده پروردگار خود را ملاقات می‌کنند، در پوست خود نمی‌گنجیدند. هنگامی که امام حسین (ع) به آنان فرمود که دشمن تنها مرا هدف خود قرار داده است لذا شما آزادید و می‌توانید از منطقه جنگی دور شوید، آزرده خاطر شدند و عرضه داشتند: «ما هرگز شما را تنها نخواهیم گذاشت و از این سرزمین باز نخواهیم گشت. آیا ما شما را رها کنیم، در حالی که دشمنان قصد جانتان را نموده‌اند؟ در این صورت در پیشگاه خدا چه عذری خواهیم آورد؟» همه یاران آن حضرت با شنیدن این بیان یک صدا چنین گفتند: «ما نیز خدای بزرگ را سپاسگزاریم که به وسیله یاری تو بر ما کرامت و با کشته شدن در رکاب تو بر ما عزت و شرافت بخشید. ای فرزند پیامبر آیا ما نباید خشنود باشیم از اینکه در بهشت با تو هستیم». [۹]. برخی نظریه‌پردازان مادی در باب مدیریت خواسته‌اند مبنای ارتباطات آدمی را در حد ارضای نیازهای اولیه و مادی تقلیل دهند و گرایش انسانها را به همدیگر، در حد رفع نیازهای طبیعی تحلیل کنند، و غایت هدفمندی و انسجام جامعه را این امر بدانند. در صورتی که نظریه‌های غالب در جامعه‌شناسی بیشتر بر این نکته تأکید می‌ورزند که اگر چه نیازهای اولیه رکن اساسی را در تمایل انسانها به ایجاد ارتباط، ایفا می‌کنند ولی آنچه حائز اهمیت بوده این است که ماهیت ارتباطات آدمیان در سطح رفع نیازهای جسمانی باقی نمی‌ماند، بلکه از آن فراتر رفته و به مرتبه بی‌پایان و گسترده «محبت» می‌رسد و این تکامل در ماهیت ارتباطات، تا بدان جااست که اراده آدمی در نتیجه حرکت او به سوی هدف و انجام کار، برخاسته از نوع علاقه و محبتی است که به هدف یا موضوع کار دارد، و این دعا، در گستره نهضت حسینی و همچنین مقاومت یاران امام خمینی (ره) در طول دفاع مقدس، امری قابل اثبات است، بدین گونه که آدمی تا به چیزی دلبستگی نداشته باشد، هرگز در جهت رسیدن به آن تلاشی نخواهد کرد. از این رو است که اصحاب امام حسین (ع) تا به هدف عالی یعنی قرب الی الله دلبستگی نمی‌داشتند، هرگز در جهت رسیدن به آن

مجاهدت نمی کردند. [۱۰]. رابطه یاران امام با رهبرشان نه بر محور رفع نیازهای طبیعی، بلکه بر محور ارادت و محبت بود و رهبر و پیرو به هم عشق می‌ورزیدند و همین رابطه دقیق بود که یاران امام را همچون پروانگان واله و شیدا به دور شمع وجود حضرت نگه می‌داشت و در نهایت همگی آنان در دفاع از حضرت ذوب شدند و سوختند.

جلوه‌های مدیریتی حرکت امام حسین از مدینه تا کربلا

تعریف مدیریت

اشاره

اصولاً مدیریت به سرپرستی کردن یک مجموعه انسانی به طرف یک مطلوب و هدف مشخص اطلاق می‌گردد که موضوع اصلی آن را انسان تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر چنانچه مدیر توانست نظام تمایلات عمومی و نظام اندیشه و بالاخره «نظام رفتار عینی» مجموعه انسانی تحت سرپرستی خویش را به صورتی منسجم و هماهنگ به منظور اجرا مأموریت یا تحقق هدف مشخص سازماندهی و هدایت نماید می‌توان گفت که مدیریت محقق گردیده است. در نخستین سالهای قرن ۱۹ میلادی یک صنعتگر فرانسوی به نام «هنری فایل» چنین اظهار داشت که همه مدیران، پنج وظیفه اساسی یا کار انجام می‌دهند که شامل: تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و هماهنگی، هدایت و رهبری، و نظارت و کنترل است که در اینجا با شرح و توصیف تحلیل گرایانه از چگونگی تدبیر امام حسین (ع) در برابر مشکلات و مسائل آماده‌سازی کاروان و هدایت آن به سوی کربلا، جلوه کار کردهای مدیریتی مورد بحث قرار می‌گیرد. [۱۱].

تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری عبارت است از گزینش یک راه از میان دو یا چند راه با توجه به ملاحظات هدف، آینده‌نگری، توانایی،... هربرت سایمون «تصمیم‌گیری» را جوهر و اساس مدیریت تلقی می‌کند. به زعم وی مدیریت چیزی جز تصمیم‌گیری نیست. از سوی دیگر تصمیمات باید متوجه آینده باشد و به چشم‌اندازهای آینده نظر داشته باشد، زیرا در غیر این صورت بُرد نتایج تصمیمات کوتاه مدت (مقطعی) و حتی آسیب‌پذیر خواهد بود. به عبارت دیگر برای حیات دراز مدت اهداف، اندیشه‌ها و برنامه‌ها لازم است در تصمیم‌گیری‌ها، ابتدا پیش‌بینی صورت پذیرد. از این رو برای احراز چنین نقشی، مدیران باید از توانایی و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل، شجاعت، قاطعیت و تعهد برخوردار باشند. تصمیم‌گیری‌ها را نیز از نظر شرایط اخذ تصمیم به سه دسته اساسی طبقه‌بندی کرده‌اند: ۱. تصمیم‌گیری در شرایط مطمئن (certainty)، بدین معنی است که تصمیم‌گیرنده کاملاً به آثار و عواقب تصمیم خود اشراف و آگاهی دارد، هر چند عواقب آن همراه با خطر باشد. ۲. تصمیم‌گیری در شرایط مخاطره (risk)، تصمیم‌گیری در شرایط «ریسک» زمانی پیش می‌آید که عواقب و آثار یک تصمیم به دقت قابل پیش‌بینی نیست و معمولاً با توسل به تخیلات ناشی از قدرت، برتری طلبی و یا احساسات، چنین تصمیم‌هایی اتخاذ می‌گردد. ۳. تصمیم‌گیری در شرایط نامطمئن (uncertainty)، معمولاً در این نوع تصمیم‌گیری، شرایط نه کاملاً مطمئن و نه پیوسته همراه با مخاطره است، بلکه عمدتاً در وضعیت نامطمئن و یا در جو عدم اطمینان است. اکنون با کسب معرفت کافی از مفهوم تصمیم‌گیری، به سادگی می‌توان ابعاد و دقت تصمیمات اتخاذ شده از سوی امام حسین (ع) را مورد تحلیل و قضاوت قرار داد. چنانکه گذشت امام حسین (ع) که به منظور اقامه اصل اجتماعی اسلام یعنی امر به معروف و نهی از منکر، از بیعت با یزید استنکاف نمود و با صراحت و قاطعیت آن را رد کرد، از طرف عوامل یزید در مدینه، سخت تحت فشار و تعقیب قرار داشت، بدین جهت تصمیم گرفت که از مدینه خارج و در مکه، حرم امن الهی استقرار پیدا کند و

از آنجا صدای اعتراض خود را به گوش مسلمانان جهان اسلام برساند و پس از آن دعوت عمومی مردم کوفه را اجابت نماید و به عبارت دیگر با رفتن به قتلگاه و با هدیه خون خود، فرزندان و یارانش اصل امر به معروف را احیا و چهره مصداق عینی منکر (یعنی خلافت یزید) را بر ملاء نماید. لکن در مسیر این حرکت عده‌ای از مشایخ و مردان سرشناس اسلام و دوستداران امام (ع)، جلوی کاروان آن حضرت را می‌گرفتند و او را از این سفر منع می‌کردند و راههای متفاوتی را برابر تصمیم امام، پیشنهاد می‌نمودند، از این رو برای قضاوت به مطلوبیت هر یک از راههای پیشنهادی و همچنین تصمیم امام حسین (ع) لازم است ابتدا به تشریح هر یک از آنها پرداخته و پاسخ امام را در مقابل بیان کنیم. اولین سؤالی که ممکن است از نظر دیدگاه مدیریتی مطرح شود اینکه، آیا امام حسین (ع) در ابتدا از نتیجه نهایی تصمیم‌اش (قیامش) آگاهی داشت؟ و یا اینکه در یک شرایط اجبار و ریسک قرار گرفته بود و تصمیم او منفعلانه بوده است؟ آنچه از دلایل عقلی و نقلی فراوان استفاده می‌شود این است که امام از ابتدای حرکتش عاقبت آن را به روشنی می‌دید و از شهادت خود و یارانش حتی از اسارت خاندانش آگاهی کامل داشت و با آگاهی چنین تصمیمی را گرفته بود. گواه این ادعا در پاسخ امام حسین (ع) به تصوّر مشابه از سوی امّ سلمه (همسر رسول خدا (ص)) به روشنی آمده است: «مادر، فکر نکن که از این جریان تنها تو مطلع هستی) خود من بهتر از تو می‌دانم که از راه ظلم، ستم و از راه عداوت و دشمنی کشته خواهم شد و سرم از تنم جدا خواهد گردید و خداوند بزرگ چنین خواسته است حرم و اهل بیت من اسیر و فرزندانم شهید و به زنجیر اسارت کشیده شوند و صدای استغاثه آنان طنین انداز گردد ولی کمک و فریادرسی پیدا نکنند». [۱۲]. از پاسخ امام به ام سلمه، عمر اطراف و دیگران، معلوم می‌گردد که آن حضرت به تمام مصائب وارده در این حرکت از اسارت خانواده و محل قبر خویش و جزئیات دیگر مطلع و آگاه بود زیرا که این آگاهی از طریق پدر و جدّ بزرگوارش نیز به او رسیده بود، حتی نقل شده هنگام ازدواج حضرت زینب (س) با عبدالله بن جعفر، حضرت علی (ع) در ضمن عقد شرط کرده بود که هرگاه زینب خواست هم سفر حسین (ع) قرار گیرد عبدالله بن جعفر مخالفت نکند. [۱۳]. با این توصیف ملاحظه می‌کنید که تصمیم‌گیری امام حسین (ع) از آگاهی و پیش‌بینی لازم نسبت به نتایج و عواقب آن برخوردار بوده است. به عبارت دیگر این تصمیم از بین‌انواع تصمیم‌گیری که قبلاً به آن اشاره شد جزء مطمئن‌ترین تصمیم‌گیری‌ها محسوب می‌گردد. حال سؤال دیگری که در این رابطه به میان می‌آید؛ آنکه، آیا تصمیم امام حسین (ع) از بین تصمیمات مختلف انتخاب شده است؟ یا اینکه تنها تصمیم و راه حل موجود بوده است؟ قبل از پاسخ به این سؤال لازم است که به فرایند اساسی تصمیم‌گیری عقلایی اشاره‌ای داشته باشیم: اصولاً برای دستیابی به یک تصمیم عقلایی، منطقی حکم می‌کند که مراحل زیر را به ترتیب مورد توجه و عمل قرار دهیم: الف. تشخیص و تعریف مسأله. شناسایی راه‌کارهای بدیل و مناسب برای حل آنج. ارزشیابی پیامدها و آثار هر یک از راه‌کارها. د. گزینش راه کار مطلوب بین راه‌کارهای شناسایی شده. ه. اجرای راه کار (تصمیم) اتخاذ شده قبل از خروج امام (ع) از مدینه، عده‌ای از مشایخ حجاز و زنان و مردان سرشناس و دوستداران امام (ع) نزدش آمده و او را از این سفر مخاطره‌آمیز منع کرده و هر کدام راه‌حلهایی، پیشنهاد کردند و امام (ع) نیز ضمن شنیدن نظرات آنان و تقدیر از خیرخواهی و دلسوزیشان به هر کدام پاسخ مناسبی داده است، که اجمالاً به آنها اشاره می‌شود: پیشنهاد و راه حل اول (بیعت با یزید): پس از امتناع بیعت و ردّ درخواست ولید (استاندار مدینه)، روزی در بین راه مروان امام را ملاقات کرد و گفت: ای ابوعبدالله، من ترا پندی می‌دهم که اگر آن را بپذیری، راه راست در پیش روی تو گشوده خواهد شد. امام فرمودند: بگو تا گوش کنم، مروان گفت: من به تو توصیه می‌کنم که با یزید بن معاویه بیعت نمایی تا هم دین و هم دنیايت را نگهداری. حضرت در پاسخ فرمود: «اگر آدمی چون یزید زمام حکومت اسلامی را به دست گیرد، دیگر اسلام نابود خواهد شد و برای آن باید عزا گرفت». بیعت با یزید از نظر امام؛ تنها تأیید کردن خلافت آدم ننگینی مانند یزید نیست بلکه تأیید کردن سنتی است که برای اولین بار به وسیله معاویه می‌خواست پایه گذاری شود. امام (ع) در جای دیگر فرموده است: «اگر آنان از من تقاضای بیعت هم نکنند من باز هم آرام و ساکت نخواهم نشست زیرا اختلاف من با دستگاه خلافت تنها بر سر بیعت با یزید

نیست که با سکوت آنان در موضوع بیعت، من نیز سکوت اختیار کنم، بلکه وجود یزید و خاندان وی موجب پیدایش ظلم و ستم و شیوع فساد و تغییر احکام اسلام گردیده و این وظیفه من است که در راه اصلاح این مفساد و امر به معروف و نهی از منکر و احیاء قانون جدّم رسول خدا (ص) و زنده کردن راه و رسم پدرم علی (ع) و بسط عدل و داد بپاخیزم. [۱۴]. پیشنهاد و راه حل دوم (قیام در مدینه): عده‌ای از یاران حضرت، قیام در مدینه را پیشنهاد نموده بودند لکن بعدها برای آنان روشن گردید که امام (ع) به واسطه حرکتش از مدینه تا کربلا توانست حداکثر بهره برداری را در رابطه با روشن سازی افکار عمومی و حتی جذب و آموزش یارانش بنماید، علاوه بر آن چنانچه در مدینه نهضت را رهبری می نمود قبل از آنکه کوچکترین نتیجه‌ای گرفته شود توسط مأموران یزید و حتی مردم جاهل و منافق کشته می شد. از سوی دیگر، اصولاً از بدو تولد آن حضرت، موضوع شهادتش در کربلا مطرح بوده است، حتی در زمان انبیای پیشین نیز روشن بوده که حسین (ع) فرزند پیامبر خاتم در کربلا شهید خواهد شد. [۱۵]. پیشنهاد و راه حل سوم (پناه گرفتن در مکه): عده‌ای مانند ابن زبیر، عبدالله بن جعفر و محمد بن حنفیه می گفتند مکه حرم خدا و جای امن است، اگر در مکه بمانید بهتر است از رفتن به کوفه، لکن امام (ع) در پاسخ محمد بن حنفیه فرمود: خوف این دارم که یزید مرا در حرم خدا با مکر و حيله به قتل برساند و بدین وسیله احترام خانه خدا شکسته شود. [۱۶]. با کشته شدن زبیر توسط مأمورین یزید بر دیگران معلوم شد؛ که آنها به خطا رفته‌اند، یزید و مأمورین او حرمت کعبه را نگاه نداشتند و ابن زبیر را در مسجد الحرام کشتند. پیشنهاد و راه حل چهارم (گرفتن امان از والی مکه): هنگامی که عبدالله بن جعفر از تصمیم قطعی امام (ع) یعنی حرکت از مدینه برای خروج بر یزید مطلع گردید، نزد عمرو بن سعید والی مکه رفته و از او برای امام (ع) امان نامه گرفت. از این رو والی مکه به امام (ع) اعلام می دارد «با خبر شدم که تصمیم داری به طرف عراق (کوفه) حرکت کنی، تو را به خدا از اختلاف بپرهیز و اگر از روی ترس و ناچاری به سمت عراق می روی، به سوی من بیا که در امان من خواهی بود». حضرت در پاسخ او چنین مرقوم فرمود: «بهترین امانها، امان خداست و کسی که در دین، ترس از خدا نداشته باشد در آخرت از امان او برخوردار نخواهد بود». [۱۷]. پیشنهاد و راه حل پنجم (فرار به نقاط دور دست): بعضی از افراد مانند محمد بن حنفیه به نحوی به امام پیشنهاد کردند که به سوی یمن بگریزد، لکن امام در پاسخ آنان فرمودند: «من هرگز چنین نخواهم کرد و در انتظار قضا و قدر الهی هستم، تا خداوند آنچه را که می خواهد، انجام شود.» از سوی دیگر؛ حکام یمن نیز بی چون و چرا در فرمان یزید بودند؛ به طوری که در منزل تنعیم امام (ع) با کاروانی که از یمن می آمد برخورد کرد، سؤال فرمود این اموال و هدایا برای کیست؟ آنها گفتند از حاکم یمن برای یزید است، امام آن اموال را مصادره نمود. در این رابطه برخی از اندیشمندان گفته‌اند که چه بسا هدف از این مصادره از سوی امام (ع) اثبات این مطلب بوده است که در یمن نیز با توجه به وجود چنین حکامی در امان نبوده بلکه اگر به آن طرف می رفت بی نتیجه به شهادت می رسید. [۱۸]. در انتهای این بخش چنین استفاده می شود که سخن و پیشنهادهاى ناصحان و تصمیم امام حسین (ع) هر دو راه حلهایی برای حل مسأله یا تعیین تصمیم بود، لکن ناصحان و مشاوران ظاهر را می دیدند و شکست و پیروزی را با معادلات و محاسبات عادی و ظاهری ارزیابی می کردند و ساقط کردن حکومت یزید و تشکیل حکومت حسینی را به عنوان هدف نهضت فرض کرده بودند، و از پشت پرده غیب و از واقعیت امر اطلاع نداشتند و با این دیدگاه هر چه می گفتند حق بود، خیر خواهی و صداقت بود و امام (ع) نیز تأییدشان می کرد. ولی امام حسین (ع) هدفی غیر از تصوّر آنان داشت؛ امام واقع را می دید، هدفی بالا-تر از پیروزی ظاهری و حکومت کردن. امام می دانست پیروزی اش در گذشته شدن و شکست ظاهری اش است، که ناصحان از آن باک دارند و او را از آن برحذر می دارند، به عبارت دیگر امام حسین (ع) در صدد بود تا با شهادت خویش مردم را آگاه کند که دین آن نیست که دنیا طلبان بنی امیه دارند و همچنین نفرتی را که در دل مردم از رفتار بنی امیه به وجود آمده بود، موجب نفرت از دین نگردد. البته همه آن رازها و اهدافی که امام (ع) در این نهضت دنبال می کرد برای ما روشن نیست. لکن با توضیحات بالا برای ما روشن شد که؛ امام با پیش بینی دقیق و برنامه خاص خود در تصمیم گیری های هیچ گاه شتابزده و انفعالی عمل نمی نمود. و از این رو یزید را در چالشی

سخت قرار داده بود، زیرا معمولاً مدیرانی که هوا پرستند، نمی‌توانند در اوضاع پیچیده و بحرانی تصمیم منطقی و عقلایی اتخاذ کنند.

برنامه‌ریزی

«برنامه‌ریزی» عبارت است از پیش‌بینی اقداماتی که به منظور تحقق اهداف باید در آینده صورت پذیرد؛ به عبارت دیگر «برنامه‌ریزی» یعنی فراگرد تعیین و تعریف اهداف و تدارک دقیق و پیشاپیش اقدامات و وسایلی که تحقق اهداف را میسر می‌سازد. [۱۹]. در هر برنامه توجه به دو نکته حائز اهمیت است؛ اول، دقت در هدفگذاری دوم، پیش‌بینی دقیق اقدامات آینده و زمانبندی آن. نخست، هدفگذاری: در حماسه حسینی تعیین هدف به دقیق‌ترین شکل آن صورت پذیرفته بود. تجلی این امر را باید در نامه‌ها و عملکرد امام حسین (ع) مشاهده کرد. اجمالاً در ضرورت هدف برای برنامه می‌توان گفت که وجود آن از تشنه آراء، هرج و مرج عملیات و بی‌ملاکی در قضاوت جلوگیری می‌کند. از نکات بسیار مهم در این رابطه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱. در قالب هر برنامه دو نوع هدف وجود دارد؛ هدفهای ظاهری یا رسمی که همان هدف‌های اولیه برای طراحی برنامه است، و هدف‌های واقعی که برنامه در عمل به آن سو کشیده می‌شود، و آنچه که عاملان اجرا به آن مبادرت می‌ورزند هدفهای واقعی است و چه بسا با هدفهای رسمی متفاوت باشد. این تفاوت در بسیاری از مواقع نگرانی‌هایی برای مدیران و برنامه ریزان به وجود می‌آورد. لکن در نهضت امام حسین (ع) تفاوتی بین هدفهای رسمی و واقعی مشاهده نمی‌شود، زیرا آنچه که امام حسین (ع) به عنوان هدف بیان کرده بود از پیش، پدرش علی (ع) از جدش پیامبر اکرم (ص) و او از جبرئیل و جبرئیل از خداوند متعال بیان کرده بودند. ۲. موفقیت یک برنامه نیز در دستیابی به هدفهای آن است؛ که این امر می‌تواند با توجه مداوم و مستمر به هدف در مرحله اجراء تضمین شود. از این رو؛ امام حسین (ع) روزی که از مدینه می‌خواست خارج شود، اهداف نهضت را در قالب وصیت‌نامه به برادرش محمد بن حنفیه چنین بیان می‌دارد: «مردم دنیا بدانند که من یک فرد جاه طلب، مقام طلب، اخلاص گر، مفسد و ظالم نیستم، من چنین هدفهایی ندارم، قیام من قیام اصلاح طلبی است، قیام و خروج کردم برای اینکه می‌خواهم امت جدّ خودم را اصلاح کنم من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر بکنم...» [۲۰]. در صبح روز عاشورا این هدف را با عبارت دیگر تکرار می‌کند: «خداوند پایان کار را برای همه روشن کرده است که همه کشته می‌شوند و هر کس برای هدف دیگری آمده از همین جا برگردد. فردا عده‌ای نگویند ما به طمع حکومت و ریاست رفته بودیم ولی مطلب عوض شد.» دوم، پیش‌بینی و مرحله بندی: منظور از پیش‌بینی استفاده از فونونی است که نحوه تداوم به انجام رسیدن اقدامات بعدی را [۲۱] روشن می‌سازد. از این رو یکی از وظایف مدیریت و رهبری مجموعه انسانی، تخمین و پیش‌بینی وقایع و رویدادها می‌باشد، به همین سبب امام حسین (ع) نیز به دنبال امتناع از بیعت با یزید؛ این دشمن مستبد و خونخوار به خوبی پیش‌بینی از اوضاع به عمل آورده بود که جلوه‌های آن را می‌توان در انتخاب مکان و زمان مبارزه، حتی شیوه مبارزه و عبور از موانع ایجاد شده از سوی دشمن ملاحظه نمود: - در خصوص شیوه مبارزه؛ امام (ع) با توجه به درک دوران حکومت پدرش و برادر بزرگوارش و همچنین بی‌وفایی مردم کوفه به درستی می‌دانست که دعوت ۱۲ هزار نفری مردم کوفه از ایشان به واقعیت نزدیک نیست، لذا در مقابله با یزید با توجه به یاران اندک و اهداف عالی؛ بیداری جامعه اسلامی و افشا و عملکرد حکام بنی‌امیه به ویژه یزید می‌بایست شیوه مبارزه را نظامی - فرهنگی انتخاب کند. از آنجایی که درگیری نظامی در مدینه احتمال می‌رفت که به نفع یزید تمام شود، از این رو امام (ع) در کنار شیوه نظامی، شیوه فرهنگی را اتخاذ می‌کند تا در صورت فراهم شدن شرایط نظامی، کار حکومت فاسد را یکسره کند و در غیر این صورت حداقل به هدف افشای چهره فساد، و بیداری مسلمانان دست یافته باشد، به یقین می‌توان گفت که این نوع مبارزه یعنی نظامی - فرهنگی اولین بار بود که در این نهضت به کار می‌رفت. از این رو به گمان قوی حرکت خانواده پیامبر (ص) به همراه زنان و کودکان کم سن و سال حتی کودک شیرخوار تا کودکانی که باید

دست آنها را گرفت و در دل تاریکی از کوره راهها و بیابانها از مدینه تا مکه و از آنجا تا کربلا، عاطفه آن مردم را برانگیخته و آتشی بردل‌های مرده می‌زد و سؤالهایی در اذهان عمومی به وجود می‌آورد، که بعدها ثمره آن روشن گردید. - در خصوص انتخاب مکان و زمان مبارزه؛ امام (ع) با انتخاب راه‌ها و منازل رسمی (که تقریباً از میان آبادی‌ها می‌گذشت) در ایام مبارکی نظیر شعبان، رمضان و ذی‌حجه به تحقق اهداف نهضت تسریع بخشید زیرا فاصله بسیار طولانی طی یکصد و هفتاد و پنج روز به ویژه توقف چهار ماهه در مکه (محل تجمع عبادی مسلمانان از سراسر نقاط) منجر به این شد که امام (ع) فرصت اطلاع‌رسانی را بیابد و پیام نهضت را ابلاغ کند و همچنین اقدام به جذب نیرو نماید و در نهایت کاروان کربلا را برای حماسه عاشورا کاملاً آماده سازد. حتی کشاندن ۳۰ هزار نفر از سپاه دشمن به کربلا خود یکی از تدابیر امام (ع) در این زمینه بود؛ که مبادا کشته شدنش مخفیانه صورت گیرد، بلکه در مقابل و مشهد دیدگاه ۳۰ هزار نفر قرار گیرد تا برای مستندات تاریخی پیام عاشورا مؤثر واقع شود. به هر حال باید اذعان نمود که هزار نکته باریکتر ز مو در این حماسه وجود دارد که ما عاجز از ذکر تمام آن می‌باشیم. - برنامه‌ریزی در روز عاشورا؛ امام در شب عاشورا پس از جلسه‌ای که با یاران خویش داشت به برنامه‌ریزی جهت مقابله با دشمن می‌پردازد و بهترین راه مقابله را انتخاب می‌کند؛ به بررسی اطراف خیمه‌ها می‌پردازد و دستور می‌دهد همان شب خیمه‌ها را که از هم دور بودند نزدیک یکدیگر قرار دهند و آن چنان نزدیک آوردند که طناب خیمه‌ها در داخل یکدیگر فرو رفت و به گونه‌ای که عبور یک نفر از بین دو خیمه ممکن نبود و همچنین دستور دادند که خیمه‌ها را به شکل هلال نصب کنند و شبانه در پشت خیمه‌ها گودالی حفر کنند که اسبها نتوانند از روی آن عبور کنند، و امکان حمله دشمن از پشت کاملاً از بین برود. همچنین دستور دادند مقداری از خار و خاشاک انباشته کنند تا صبح عاشورا آنها را آتش بزنند که تا اینها زنده‌اند دشمن نتواند از پشت خیمه‌ها حمله کند؛ یعنی فقط از روبه‌رو و راست و چپ با دشمن مواجه باشند و از پشت سرشان اطمینان داشته باشند. در واقع با این برنامه‌ریزی امام (ع) توانست از سه طرف راه دشمن را مسدود نماید و تنها یک راه باریکی برای ورود و خروج به خیمه‌ها قرار داده بود و آن مسیر هم به وسیله مردان جنگاور و شجاع مورد حفاظت قرار داده بود و این تدبیر باعث شده بود که با تعداد ۷۲ نفر از صبح تا عصر عاشورا در مقابل ۳۰ هزار نفر مقاومت کنند و تلفات سنگینی (بیش از ۱۰۰۰ نفر) نیز از دشمن بگیرند. بنابراین در می‌یابیم که امام حسین (ع) در آخرین لحظات حیات خویش خود را از تدابیر مدیریتی (برنامه‌ریزی) بی‌نیاز نمی‌دید و مقاومت او در مقابل دشمن حالت انفعالی نبود، بلکه هوشمندانه و کاملاً مسلط بر اوضاع بوده است. در این رابطه به تصویری که بر گرفته از نقلیات تاریخی است دقت کنید:

سازماندهی

«سازماندهی» عبارت است از گروه‌بندی فعالیت‌هایی که برای نیل به هدفها لازم است و تعیین سلسله مراتب نیروهای انسانی در هر گروه از فعالیتهاست. از این رو با سازماندهی تقسیم کار و ارتباط بخش‌نیروها به سمت هدفهای واحد تحقق می‌یابد. اجمالاً در تأیید وجود نوعی سازماندهی در حرکت امام حسین (ع) لازم است به این نکته اشاره کنیم که؛ امام در آستانه عزیمت از مدینه به کربلا صراحتاً به دو بخش از مبارزه خود اشاره می‌کند که یکی بخش شهادت (عملیات نظامی) و دیگری بخش اسارت (عملیات فرهنگی) خواندن اوست: «إِنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلاً وَأَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا». [۲۲]. همچنین برنامه‌ها را به کوتاه مدت شامل؛ (اقدامات و پیش‌بینی حوادث احتمالی در منازل طی شده) و برنامه بلندمدت که شامل؛ (اسارت فرزندان و خاندانش می‌شد) تقسیم نموده بود. - برنامه کوتاه مدت؛ که در قالب حدوداً ۲۱ منزل سازماندهی شده بود، اهداف و نتایج بسیاری به همراه داشت، برای پرهیز از تفصیل آن، تنها به چند محور اصلی آن اشاره می‌شود: ۱. تبیین اصول، مبانی و ماهیت نهضت جهت الگو قرار گرفتن آن برای آیندگان. ۲. روشن‌سازی اذهان عمومی نسبت به اهداف و حقانیت نهضت. ۳. مستندسازی نهضت عاشورا در تاریخ. ۴. دریافت اخبار و اطلاعات از دشمن و اوضاع منطقه عملیاتی. ۵. جذب و آماده‌سازی نیروهای عملیات‌کننده در روز عاشورا. - برنامه بلندمدت؛ در قالب به

اسارت رفتن فرزندان و خاندانش سازماندهی شده بود؛ در نخستین نگاه همراه آوردن کودکان و زنان سؤال برانگیز بود و با مدیریت جنگ نامأنوس احساس می‌شد، اما وقتی که ماجرا با دقت مورد مطالعه قرار می‌گیرد در می‌یابیم که علی‌رغم دشواری‌ها، حضور زنان و کودکان تا چه اندازه در تبیین و گسترش حماسه حسینی مؤثر بوده است. اصولاً آنچه در تحقیقات تاریخی و ملاحظات علوم تربیتی ثابت شده است این است که زنان در نقش تربیتی و فرهنگی نسبت به مردان مؤثرترند. بدین جهت است که در مدیریت نهضت حسینی، هم برای مردان و هم برای زنان تقسیم وظایف و نقش مشخص دیده شده بود، البته نقش مردان در مدار خودش و نقش زنان نیز در مدار خودش. لذا یکی از تدابیر مهم مدیریتی امام (ع) در این قسمت از سازماندهی نیرویی محسوب می‌شد. بنابراین پس از عاشورا بلافاصله به طور مشخص برنامه بلندمدت فرهنگی و تربیتی به وسیله زنان به رهبری زینب (س) آغاز می‌شود (هر چند شروع نقش تربیتی و فرهنگی زنان از مدینه بوده لکن بطور مشخص پس از عاشورا یاد شده است). از این رو می‌توان بیان نمود که حضور زنان از مدینه تا کربلا و از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام و از شام تا مدینه همه بر طبق برنامه از قبل پیش‌بینی شده بود، زیرا بدون حضور و نقش آنان تعدادی از اهداف نهضت مانند؛ افشای چهره فساد بنی‌امیه و یزید و تثبیت نهضت، محقق نمی‌شد: سرّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ پشت ابری از ریاء می‌ماند اگر زینب نبود چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان در کویر تفته جا می‌ماند اگر زینب نبود. [۲۳]

هماهنگی

هماهنگی در مدیریت یعنی؛ وحدت بخشیدن به عملکرد نیروها در مسیر هدفهای سازمان، این وظیفه به شکل‌های مختلف و در قالب برنامه و اجرا باید مراعات شود. - هماهنگی و وحدت در هدف؛ هماهنگی در نهضت حسینی در متعالی‌ترین وجه خود تجلی یافته بود، همه مؤمنان و عاشقان که با اهداف و عقاید امام هم نظر بودند، با شنیدن حرکت و قیام امام (ع) از نقاط دور دست به سوی امام شتافتند و به شکلی وحدت یافته قیام حسینی را بر پا داشتند. مؤید این مطلب سخن خود امام (ع) است که در پاسخ به محمد حنفیه می‌فرماید: «برادر، تصمیم گرفته‌ام که به مکه حرکت کنم و من و برادرانم و فرزندان برادرانم و گروهی از شیعیان مهیا و آماده این سفر هستیم، زیرا این عده با من هم عقیده بوده و هدف و خواسته آنان همان هدف و خواسته من است.» [۲۴]. ملاحظه می‌کنید که وحدت و هماهنگی در هدف از سوی اعضاء نهضت کاملاً وجود داشت؛ زیرا مقصود همه اصحاب برای شرکت در نهضت تقریباً به خدا و انجام تکلیف امر بمعروف و نهی از منکر بود. - اما وحدت و هماهنگی در عملیات؛ اصحاب در پیروی از رهبری نهضت، فعالیت‌های یکسانی را انجام می‌دادند. در روز عاشورا اصحاب در صف‌های به هم پیوسته، یکرنگی، همراهی و وحدت خود را تا پای جان خویش به نمایش گذاشتند، و هیچ‌گونه تعارضی بین عملکردهای آنان مشاهده نمی‌شد، همه با هم به رهبری امام (ع) با خون خود به وحدانیت خداوند شهادت دادند و رمز موفقیت و جاودانگی را عیّت بخشیدند. حفظ اصل هماهنگی در آخرین لحظات حیات امام حسین (ع) نیز قابل توجه است؛ امام در روز عاشورا نقطه‌ای را که مشرف بر نقاط دیگر بود مرکز و قرارگاه خویش قرار داده بود و از آن مکان فرماندهی و عملیات می‌نمود به ویژه اینکه آن نقطه نزدیک خیم حرم بود و شاید مهم‌ترین مقصود امام (ع) از انتخاب این نقطه؛ حفظ هماهنگی لازم نیروهای عملیاتی با نیروهای پشتیبانی و فرهنگی بود، و هر گاه که در آن نقطه قرار می‌گرفت و بانگ «لا حول و لا قوه الا بالله» سر می‌داد، همه نیروهای در میدان به ویژه نیروهای پشتیبان و اهل بیتش قوت و انرژی دیگری می‌گرفتند و این هماهنگی تا آخرین لحظات حیات امام وجود داشت. [۲۵].

کلیت وظایف رهبری، در اداره امور و توفیق در هدایت گروه به سوی هدفهای معین خلاصه می‌شود. از این رو، هر مدیری علاوه بر وظایفی چون برنامه ریزی، سازماندهی و کنترل باید انجام وظیفه یعنی رهبری و هدایت افراد سازمان را نیز عهده‌دار گردد؛ انجام این مهم نیز بدون توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر اعضای گروه امکان‌پذیر نمی‌شود. بنابراین، مدیر در نقش رهبری کسی است که بتواند بر افراد تحت سرپرستی خود نافذ و مؤثر باشد. در نظام مدیریت اسلامی نیز رهبر رکن است و او است که بار سنگین و پرمسئولیت انبیا و پیام آوران بزرگ الهی را در جامعه به دوش می‌کشد. او در روند میثاقی که خداوند از او گرفته تا در برابر نابرابری‌های حاصل از ستم و تجاوز صاحبان زر و زور و تزویر مقاومت کند، هرگز کمترین تردیدی به خود راه نمی‌دهد و در ظرف اندیشه او چیزی جز «اصلاح» که همان دعوت به خیر و معروف در جامعه اسلامی است وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت مفهوم «مدیریت» در نظام اسلامی چیزی جز فرایند رهبری جامعه نیست و بر این اساس، جایگاه آن نیز برترین جایگاه اجتماعی است که در فرهنگ مدیریت اسلامی (در عالی‌ترین سطح) از آن به امامت و ولایت یاد شده است. هدایت و رهبری در نهضت امام حسین (ع) بر پایه اصول و ارزشهای دین قرار داشت، در این بخش به تعدادی از اصول رهبری در نهضت حسینی اشاره می‌گردد: اصل آگاهی: امام (ع) در آخرین روز توقف‌اش در مکه و هنگامی که قصد عزیمت به کربلا را نمود؛ با یارانش پیرامون حرکت به کربلا و خطرات آن بیان مبسوطی را ایراد فرمود، به فرازی از آن توجه بفرمایید: «آگاه باشید، هر یک از شما حاضر است در راه ما (یعنی راه اعتلای کلمه حق) از خون خویش بگذرد و جان‌اش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم کرد ان شاء الله تعالی». [۲۶]. امام (ع) در کلیه مراحل نهضت به اصل آگاهی بخشی پایبند بود و هیچ‌گاه نخواست که از شعور ناخودآگاه یارانش استفاده کند که سوار بر موج شود و مردم را سپر خود قرار دهد. اصل انگیزش: یکی از اصول مهم رهبری در نهضت کربلا اصل انگیزش بود، از این رو امام (ع) در روز عاشورا پس از نماز صبح رو به سوی نمازگزاران نموده و برای ایجاد آمادگی روانی کامل یارانش چنین فرمود: «ای بزرگ زادگان، صبر و شکیبایی به خرج دهید که مرگ چیزی جز یک پل نیست که شما را از سختی و رنج عبور داده و به بهشت پهناور و نعمتهای همیشگی آن می‌رساند. چه کسی است که نخواهد از یک زندان به قصری انتقال یابد و همین مرگ برای دشمنان شما مانند آن است که از کاخی به زندان و شکنجه‌گاه منتقل گردند». [۲۷]. اصل تعهد به قانون و دستورات الهی: معمولاً در شرایط بحرانی کمتر کسی است که به قانون و موازین اجتماعی یا شرعی پایبند بماند لکن اولیاء الهی و به ویژه امام حسین (ع) در سخت‌ترین شرایط، رهبری خود را مبتنی بر رعایت قانون و موازین قرار داده بود، از این رو در هنگامی که با اولین واحد نظامی دشمن برخورد می‌کنند؛ یکی از یاران آن حضرت یعنی زهیر بن قین پیشنهاد می‌کند که بهتر است ما حمله را شروع کنیم زیرا با فرا رسیدن نیروهای امدادی هرگز قادر به کمترین مقاومت نخواهیم بود. امام (ع) در پاسخ به پیشنهاد ایشان فرمود: «من جنگ را آغاز نخواهم کرد». [۲۸]. روشن است که پیشقدم شدن در جنگ با ارزشهای مکتب مباین است و امام (ع) خود را پای‌بند بدانها می‌بیند، هر چند که در آینده به ظاهر به نفع آنها نباشد، لذا می‌بینیم که حضور قانونمند امام حسین (ع) پس از ۱۴۰۰ سال نسبت به حضور فیزیکی‌اش اثر بخش‌تر است و منشأ تحرک و هدایت بسیاری از نهضت‌ها پس از خودش شده است. اصل قاطعیت: امام (ع) در تصمیم خود مبنی بر عدم بیعت با یزید و مخالفت با او و آفریدن حماسه عاشورا، به قدری استوار، مصمم و قاطع بود که هیچ قدرت و عاملی هیچ طرح و پیشنهادی نمی‌توانست آن را متزلزل کند. این استواری و قاطعیت در تمام حالات و در تمام فراز و نشیب‌های نهضت عاشورا و در رهبری آن حضرت، از آغاز تا پایان به طور یکسان حاکم بود، لذا این اصل خود به عنوان یکی از رمزهای پیروزی نهضت حسینی محسوب می‌شود. اصل تفویض اختیار: یکی از اصول بارز رهبری نهضت در تمام مراحل، وجود آزادی و اختیار بود. امام در شب عاشورا با یاران خود چنین صحبت می‌کند: «من از همه شما تشکر می‌کنم، فردا دشمن جنگ خود را با ما آغاز خواهد نمود و حالا شما آزاد هستید و من بیعت خود را از شما برداشتم و به همه شما اجازه می‌دهم که از این سیاهی شب استفاده کرده و به سوی آبادی و شهر خویش حرکت کنید، زیرا

این مردم فقط در تعقیب من هستند و اگر مرا بکشند با کسی دیگر کاری ندارند.» [۲۹]. بر این اساس امام (ع) می‌خواست که یارانش در نهایت آگاهی، آزادی و اختیار قدم در این راه بگذارند، زیرا در لیست قهرمانان کربلا قرار گرفتن صلاحیت و اختیار می‌خواست. در نمونه‌ای دیگر؛ در روز عاشورا، حُرّ نزد امام (ع) آمد و گفت: اگر سوار بر اسب باشم بهتر توان جنگاوری خواهم داشت تا پیاده باشم. امام (ع) فرمود: «هرگونه می‌پسندی عمل کن.» [۳۰]. همانطور که در اصول و مبانی رهبری امام حسین (ع) ملاحظه گردید، آزادی و اختیار انسان از مهم‌ترین تأکیدات و ملاحظات رهبری نهضت عاشورا بود لکن در نظام حکومتی بنی‌امیه و یزید انسانها به مثابه مهره محسوب می‌شدند؛ توهین و تحقیر و زبونی کارکنان از مختصات مدیریت و حکومت آنان بود. به عنوان مثال می‌توان به یک فراز تاریخی اشاره نمود: یزید به یکی از فرماندهان ارشدش یعنی عبیدالله بن زیاد گفت اگر حسین را به قتل نرسانی، زندگی تو را تباہ و (به اصطلاح امروزی) شناسنامه‌ات را باطل می‌کنم، و داستان نسبت دادن پدرت زیاد به ابوسفیان بر باد (افشاء) می‌گردد و نژاد و نسب تو به سمیه می‌رسد که تابلو تباہی و بدکاری و رسوایی در جاهلیت بود. این نحوه ارتباط و برخورد توهین آمیز از بالاترین رده تا پایین‌ترین آن در این نظام مدیریتی جاری بود.

کنترل و نظارت

کنترل و نظارت معمولاً- برای شناسایی برنامه‌ها و چگونگی اجرای آنها جهت حصول مؤثر هدفهاست. از این رو وظیفه کنترل و نظارت، سعی در کشف نارسائیهای موجود و رفع موانعی است که بر سر راه رشد استعدادهای نیروی انسانی و پیشرفت برنامه‌ها قرار دارد. بنابراین توان شناخت و ارزشیابی فعالیتها، روحیات و استعدادهای کارکنان و مسیرکار در سازمان همچنین دقیق و منضبط بودن و سعه صدر داشتن از مهارتهای موردنیاز مدیران و رهبران است. در این رابطه می‌توان به فرازهایی از نهضت حسینی اشاره نمود:- از نافع بن هلال چنین نقل شده که امام پس از بررسی بیابانهای اطراف به سوی خیمه‌ها برگشت و به خیمه خواهرش زینب کبرا (س) وارد شد. من در بیرون کشیک می‌دادم، زینب کبرا (س) عرضه داشت: برادر! آیا یاران خود را آزموده‌ای و به نیت و استقامت آنان پی برده‌ای تا مبادا در موقع سختی دست از تو بردارند و در میان دشمن تنها بگذارند. امام در پاسخ خواهرش فرمود: «آری به خدا سوگند آنها را آزموده‌ام و نیافتم آنان را مگر محکم و با صلابت و غرنده و خشمناک. آنان به کشته شدن در پیش روی من آنچنان مشتاق هستند مانند اشتیاق طفل شیرخوار به پستان مادرش.» [۳۱]. - در شب عاشورا نیز امام حسین (ع) از محیط خیمه‌ها بیرون رفت تا نزدیکی لشکر دشمن، نافع بن هلال (یکی از یاران امام) از امام (ع) سؤال کرد، دلیل نزدیک شدنش به لشکر دشمن در این وقت شب چه بوده است؟ امام (ع) در پاسخ وی فرمود: آمده‌ام تا پستی و بلندی اطراف خیمه‌ها را بررسی کنم که مبادا برای دشمن مخفی گاهی باشد و از آنجا برای حمله خود و یا دفع حمله شما استفاده کند. - همچنین در نمونه دیگر؛ یکی از فعالیتها در شب عاشورا این بود که اسلحه‌ها را برای فردا آماده سازند، از این رو مردی به نام «جون» که آزاده ابوذر غفاری بوده است و متخصص در کار اسلحه سازی، این مرد در خیمه‌ای که به این کار اختصاص داشت مشغول آماده کردن سلاح‌ها بود؛ امام در آن شب آمد تا از او سرکشی و بازدید کند. ملاحظه می‌شود که نظارت و کنترل در تمام مراحل نهضت جاری و ساری بود.

خلاصه و نتایج

اشاره

با مرور اجمالی از مباحث یاد شده نتایج زیر به دست خواهد آمد: ۱. الگوهای مدیریت را با تمام تنوع‌های ظاهری و صوری آن به دو نوع مادی و الهی می‌توان تقسیم کرد؛ حادثه عاشورا در واقع بهترین و گویاترین تابلوی نمایش این الگوی مادی و الهی است. ۲.

از نظر امام حسین (ع) مدیریت و حکومت افراد فاسد، خائن و ستمگر بر جامعه اسلامی عظیم‌ترین فتنه و بلیه و بزرگترین عامل فساد و تباهی امت اسلامی است. ۳. مدیریت حماسه عاشورا، الگوی کارآمدی را برای هدایت جامعه انسانی به ویژه در دوره‌های بحرانی و استبداد خارجی و یا داخلی به دست می‌دهد. ۴. در بخش هدف این نتیجه حاصل شد که؛ مدیریت باید جلوگیری از فساد، بی‌عدالتی و اداره امور را تضمین کند تا هم در سازمان و هم در جامعه عدالت ایجاد گردد، زیرا هدف نهایی مدیریت اسلامی رسیدن به فلاح و رستگاری است. ۵. در بخش تصمیم‌گیری؛ امام حسین (ع) برای تصمیم‌گیری بر خلاف یزید در یک فضای مه‌آلود قرار نگرفته بود، او به خوبی شرایط را می‌دید و می‌دانسته است که شرایط به گونه‌ای است که جز با شهادت او این کجی‌های چندین ساله ناشی از مدیریت و حکومت بنی‌امیه اصلاح نمی‌گردد. مجموعه جریان قیام امام حسین (ع) سرشار از لحظه‌های مهم و خطر خیز بود؛ دعوت شدن به کاخ استانداری مدینه، حرکت از مکه، برخورد با سپاه حُر، بی‌آبی و بی‌تابی کودکان، انبوه سپاه دشمن، غربت و تنهایی، شهادت یاران، همه و همه، لحظه‌ها و صحنه‌هایی هستند که پای اراده را می‌لرزاند و انسان را در تصمیم‌گیری دچار بحران و دشواری و تنگنا می‌سازد، لکن امام (ع) در تمام این شرایط بهترین تصمیم و دقیق‌ترین برنامه را طرّاحی می‌کرد. ۶. در بخش برنامه‌ریزی؛ انتخاب بهترین زمان، بهترین یاران، بهترین مکان و بهترین شرایط و زمینه‌ها برای تحقق یک امر، گواه مدیریت توانا و مدبّر این نهضت بود. ۷. در بخش سازماندهی؛ به همراه آوردن خانواده اعم از زنان و خردسالان و دادن رهنمودهایی برای ایفای نقش فرهنگی بعد از شهادت خویش، یکی از بارزترین جلوه‌های سازماندهی نیرویی در نهضت حسینی است. ۸. در بخش رهبری؛ امام حسین (ع) به صورت یک مدیر در نقش رهبری ملتزم و متعهد و به صورت نمونه‌ای از تربیت اسلامی به همه مدیران و رهبران اسلامی آموخت که؛ اولاً، در برابر انحرافها بایستند. ثانیاً، در افشای همه کسانی که نقاب بر چهره دارند بکوشند. ثالثاً، از تصفیه نیروهای فرصت طلب و جذب و پذیرش و آموزش افراد صادق غفلت نورزند. رابعاً، از طریق محبت، نیروهای انسانی را برانگیزانند. و بالاخره، کوشش کنند در تربیت و آماده کردن نیرویی که بتواند ادامه دهنده راه باشد و مسیر انقلاب را هموار نمایند (منظور توجه به نقش زنان در نهضت‌ها و استمرار آن) و به عبارت دیگر عملیات نظامی بدون پشتیبانی عملیات تربیتی و فرهنگی ثمره بخش نخواهد بود.

پاورقی

- [۱] شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ترجمه ابوالحسن شعرانی، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- [۲] محمد صادق نجمی، سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا شهادت، انتشارات اسلامی، ص ۶۳.
- [۳] قرآن مجید، سوره آل عمران، آیه ۳۰.
- [۴] قرآن مجید، سوره احزاب، آیه ۷۲.
- [۵] محمد افندی، نگرش توحیدی در مدیریت و اداره امور عمومی، ترجمه مرکز بررسی و مطالعات استراتژیک اداری، ۱۳۷۶.
- [۶] ابن جمعه حویزی، نورالثقلین، جلد ۴، ص ۲۲۱.
- [۷] جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، انتشارات معروف، سال ۱۳۷۴.
- [۸] اسد حیدر، مع الحسین فی نهضته، ترجمه مؤسسه انتشارات طور، سال ۱۳۶۸.
- [۹] علامه سید محسن الامین العاملی، امام حسن و امام حسین (ع)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، سال ۱۳۶۹.]
- [۱۰] علی رضائیان، رفتار سازمانی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۴.
- [۱۱] علی، علاقه بند، مدیریت آموزشی، انتشارات بعثت، سال ۱۳۷۱، ص ۳۱.
- [۱۲] محمد صادق نجمی، همان، ص ۲۹.

- [۱۳] شیخ جعفر النقدي، زينب كبرى، ص ۱۲۹.
- [۱۴] محمد صادق نجمی، همان، ص ۱۸.
- [۱۵] جواد محدثی، همان، ص ۸۸.
- [۱۶] محمد صادق نجمی، همان، ص ۹۰.
- [۱۷] محمد صادق نجمی، همان، ص ۱۰۱.
- [۱۸] علامه سيد محسن الامين العاملي، همان به اضافه محمد صادق نجمی، همان، ص ۹۱.
- [۱۹] علی علاقه بند، همان، ص ۳۶.
- [۲۰] محمد صادق نجمی، همان، ص ۳۷.
- [۲۱] محمد صادق نجمی، همان، ص ۱۹۲.
- [۲۲] محمد صادق نجمی، همان، ص ۹۵.
- [۲۳] فرید طهماسبی.
- [۲۴] محمد صادق نجمی، همان، ص ۳۳.
- [۲۵] شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷.
- [۲۶] محمد صادق نجمی، همان، ص ۴۴.
- [۲۷] محمد صادق نجمی، همان، ص ۲۲۶.
- [۲۸] محمد صادق نجمی، همان، ص ۱۷۵.
- [۲۹] محمد صادق نجمی، همان، ص ۲۰۸.
- [۳۰] سيد عطاءالله مهاجرانی، پیام عاشورا، انتشارات اطلاعات، سال ۱۳۷۴ به اضافه اسد حيدر، همان، ص ۲۴۸.
- [۳۱] محمد صادق نجمی، همان، ص ۲۱۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

